

آسیب‌های کاربریست قاعده «تسامح در ادله سنن» در احادیث اخلاقی

اکرم جعفری*
علیرضا دل افکار**
محمد صدیقی***

چکیده

احادیث اخلاقی از جمله بسترهای مهم اجرای قاعده «تسامح در ادله سنن» است. شدت تسامح در روایات ضعیف اخلاقی در مقایسه با احادیث اعتقادی و فقهی نشان می‌دهد که گویا احادیث اخلاقی بار مسئولیت کمتری برای مدوّنین کتب روایی داشته است. فقدان دانش فقه‌الاحلاق و عدم تفکیک گزاره‌های اخلاقی اخباری و انشائی، زمینه‌ساز اجرای همه جانبه این قاعده در احادیث اخلاقی شده است. این پژوهش با تتبع در مصادیق روایی، در پی واکاوی آسیب‌هایی است که کاربریست قاعده «تسامح در ادله سنن» در حوزه احادیث ضعیف اخلاقی برجای گذارده است؛ لذا با حذف آنها از متون دینی، طراحی نظام ضابطه‌مند اخلاقی جامع تحقق بیشتری خواهد یافت. داده‌های این مقاله با تمرکز بر متون حدیثی جمع‌آوری و با شیوه توصیفی - تحلیلی پردازش شده است. پیامدهایی چون اختلال در نظام اخلاق اسلامی، وقوع جعل در روایات اخلاقی و ایجاد خوش بینی یا بدبینی کاذب نسبت به متون روایی اخلاقی از جمله نتایج کاربریست بی ضابطه این قاعده در احادیث اخلاقی است. با توجه به گستره حدیث و تأثیر آن بر فرهنگ دینی، رفتارهای فردی و کنش‌های جامعه، آسیب شناسی و توجه خاص به کیفیت متون حدیثی، بازنگری در احادیث اخلاقی، ترسیم الگوی اخلاق اسلامی مبتنی بر روایات معتبر، در پالایش نظام یکپارچه اخلاقی بسیار ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: قاعده تسامح؛ روایات من بلغ؛ روایات اخلاقی؛ پالایش روایی؛ نظام اخلاقی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب. (mohammadmoein6@gmail.com)

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران.

*** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور تهران.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش ۹۹/۰۹/۰۱)

مقدمه

علمای اسلام از دیرباز تاکنون، به ویژه محدثین شیعی و سنی، موضوع اخلاق را در شمار آثار و تحقیقات خود در نظر گرفته‌اند؛ به طور نمونه ابن مبارک مروزی (قرن دوم) کتاب *البر و الصله* را نوشت. ابن ابی الدنيا (قرن سوم) تالیفات بسیار اخلاقی بر پایه روایات نبوی و کلام صحابه دارد از جمله: *التواضع و الخمول، الشکر لله، الصمت و آداب اللسان* و... کوفی اهوازی (قرن سوم) *الزهد و المومن* را نگاشت. شیخ کلینی (قرن چهارم) در کتاب *الایمان و الکفر* و کتاب *العشره* از اصول کافی به روایات متعدد اخلاقی اشاره کرده است. همچنین دهها کتاب اخلاقی - روایی مانند *احیاء علوم الدین* ابو حامد غزالی (قرن پنجم) و *المحجۃ البیضاء* نگاشته فیض کاشانی (قرن یازدهم) در دوره‌های بعد به رشته تحریر درآمده است.

جهت اثبات یا تأیید محتوای این کتب از ادله نقلی استفاده شد، اما بررسی سندی و محتوایی روایت کمتر مورد نظر مولفان بوده است. با تتبع در منابع روایی اخلاقی این نکته حاصل می‌شود که در قرون اولیه، اهتمام به ذکر سند احادیث اخلاقی بوده و در دوره‌های بعد این اهتمام کاهش یافته است. به طور نمونه کتاب *الزهد* و کتابهای اخلاقی *الکافی* مسند هستند. شیخ صدوق (قرن چهارم) نیز در *ثواب الاعمال* حدیث را مسند و در *مصادقه الاخوان* کم و بیش مسند می‌نویسد. اما ابن شعبه (قرن چهارم)، در *تحف العقول* تأکید می‌کند چون بیش‌تر مسائل کتاب آداب است، نیاز به یادآوری سند نبود و اسناد را حذف کردم (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۴). در دوره‌های بعد نیز گویا مرسل‌نویسی شیوه رایج مولفین می‌شود. کراجکی (قرن پنجم) در *معدن الجواهر*، فضل بن حسن طبرسی (قرن ششم) در *الآداب الدینیة*، راوندی (قرن ششم) در *النوادر*، ورام (قرن هفتم) در *تنبیه الخواطر* اهتمامی بر ذکر سند روایات اخلاقی نداشته‌اند. سیره محدثان متاخر بیانگر آن است که نسبت به احادیث اخلاقی چندان سخت‌گیر نبوده و

شرایط حجیت خبر در این احادیث مطمح نظر نبوده است.

از زمان تأسیس قاعده «تسامح در ادله سنن» در قرن هشتم، بهره‌وری از همه روایات به ویژه روایات اخلاقی شکل دیگری به خود گرفت و پذیرش حداکثری این روایات بین مذاهب اسلامی نشر یافت. تاکنون همه علما برخورد یکسانی با تسامح روایات اخلاقی نداشته‌اند و برخی از ایشان نه موضوع اخلاق و نه سایر موضوعات غیر فقهی (سنن) را زمینه اجرای قاعده نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۲؛ ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). تعدادی از دانشمندان فریقین برخلاف این گروه، موضوعاتی از جمله اخلاق را بهترین زمینه اجرای این قاعده محسوب می‌کنند، با این توجیه که در دلیل مستحبات تسامح شده و دقت زیاد لازم نیست و از طرف دیگر تمام این احادیث مصداق معروف و امور پسندیده است که قرآن کریم امر به پیروی آنها کرده است (عاملی، ۱۴۰۱: ۹۵ و نووی، ۱۴۱۴: ۸). شهید ثانی (قرن دهم) نیز مفاد تسامح و موارد کاربرد آن را خاطر نشان می‌کند که فقها عمل به خیر ضعیف را در قصص، مواعظ و اعمال مستحب جایز می‌دانند نه در صفات خداوند و احکام حلال و حرام و البته این دیدگاه خوبی است به این شرط که ضعف روایت منجر به وضع آن نگردد (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۹۴).

نگارش‌های علمی درباره قاعده «تسامح در ادله سنن» بیشتر به اثبات یا نفی این قاعده منتهی شده و کمتر به نقش و تاثیر قاعده «تسامح در ادله سنن» در ابعاد مختلف تاریخی، اعتقادی، اخلاقی، فقهی و... روایات اشاره شده است. تاکنون معدود آثاری در حوزه اخلاق و قاعده «تسامح در ادله سنن» به چاپ رسیده که از آن نمونه است: مقاله نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سنن، به ارزیابی سند روایات اخلاقی، اثر مصطفی همدانی (۱۳۹۶). نویسنده بخش عمده‌ای از این مقاله را صرف بررسی اصل قاعده کرده و در نهایت انگاره‌ی برابر دانستن اخلاق با مستحبات و مکروهات را دلیل اصلی این تسری برشمرده است. کتاب اخلاق اسلامی و کاربریت قاعده تسامح در ادله سنن تالیف

محمدتقی اسلامی (۱۳۹۰) نیز بیشتر به تحلیل و نقد مبانی قاعده «تسامح در ادله سنن» پرداخته و در فصل آخر برخی از آسیب‌های بیرونی پذیرش قاعده در حوزه اخلاق را بدون ذکر مصادیق روایی اخلاقی نگاشته است. وجه تمایز این پژوهش با آثار موجود، پردازش آسیب‌های کاربری قاعده تسامح در روایات اخلاقی با تاکید بر مصادیق است. رویکرد تسامحی به احادیث اخلاقی مسبب ورود برخی آسیب‌ها به حوزه اخلاق اسلامی بوده که در این نوشتار با روش تحلیل محتوایی برپایه تجزیه و تحلیل متون روایی و دسته‌بندی داده‌ها، روایات آسیب‌زا و نوع آسیب‌های آنها برشمرده شده است.

۱. قلمرو قاعده «تسامح در ادله سنن» در احادیث اخلاقی

عوامل متعددی شامل ادله روایی، جریان‌های حدیثی و الگوبرداری شیعه از اهل سنت سبب رویکرد برخی محدثین و اصولیون به تأسیس قاعده «تسامح در ادله سنن» شد. یکی از ادله و مستندات مهم قائلین به «تسامح در ادله سنن»، «روایات من بلغ» است.^۱ قائلین تسامح بر این باورند که طبق محتوای «روایات من بلغ»، هرگاه روایتی در فضیلت یا کراهت برخی اعمال و ثواب یا عقاب آنها نقل شده باشد و مکلف، ساختگی بودن آن را تشخیص ندهد، با الغاء شرایط حجیت خبر، عمل به آن روایت جایز می‌شود،

۱. ژرژدر خصوص جعلی بودن یا نبودن روایات من بلغ اختلاف است. قائلین به جعلی بودن روایات می‌گویند روایات من بلغ در میان شیعه و سنی رواج یافت و دروغ‌پردازان در این گیرودار توانستند افسانه‌های پرداخته ذهن خویش را که کتابهای شیعه و سنی را پر کرده، توجیه کنند (معروف الحسینی، ۱۹۷۳: ۸۸). البته حتی با فرض جعلی نبودن «روایات من بلغ»، علمی‌ترین توجیه پذیرش این روایات، حمل بلوغ روایت بر طریق معتبر است نه آنکه مجوزی جهت ورود هرگونه روایت صحیح و سقیم در دامنه روایات معصوم باشد و تلاش پاسداران اخبار معصومین را خنثی سازد. در برداشتی دیگر از اخبار من بلغ گفته می‌شود، این روایات اختصاص به احکام مستحب و مکروه نداشته و واجب و مستحب را نیز دربرمی‌گیرد (همدانی، ۱۳۹۶: ۱۹).

چرا که نفس، امیدوار به کسب آن ثواب یا رهیدن از آن عقاب است. چنانچه آن روایت مطابق با واقع بوده، مأجور خواهد شد و اگر واقعی نباشد، ضرری هم نخواهد کرد. این امر به خلاف امور اعتقادی و مواردی مانند حکم استحباب است که نیاز به دلیل شرعی دارد (ابن ابی الدنیا، ۱۴۱۲: ۳۱).

احادیث اخلاقی از جمله بسترهای مهم اجرای قاعده تسامح شد تا آنجا که دانشمندان اسلامی حوزه‌ی اجرائی بیشتر قاعده تسامح را در احادیث اخلاقی بیان کردند. استفاده از تعبیری مانند مواعظ، احادیث الزهد، مکارم الاخلاق و ترغیبات و ترهیبات برای تعیین محدوده تسامح در روایات، که در سخنان افرادی نظیر ابن حنبل، ابن صلاح، النووی و شهید اول بازتاب دارد، دلیلی بر این مدعاست. در واقعیت نیز با مطالعه احادیث اخلاقی این نتیجه استنباط می‌شود که مسامحه بیشتری در احادیث اخلاقی نسبت به احادیث فقهی و عقیدتی رخ داده و مولفین با برخورداری از احادیث ضعیف و حتی جعلی، در روایات اخلاقی سخت‌گیری ملحوظ در اخبار فقهی را نداشتند.

در آثار علمای اخلاق دامنه‌ی متفاوتی از اخلاق ارائه شده، لذا ضرورت دارد محدوده بحث تعیین گردد. در تعریف سنتی، حُلق حالتی نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد (ابن مسکویه، ۱۴۲۶: ۱۱۵ و فیض کاشانی، بی تا: ۹۵/۵ و نراقی، بی تا: ۴۶/۱). در تعریف نوین، مفهوم اخلاق از اوصاف و ملکات ثابت تا صفات ناپایدار وسیع شده و همه‌ی کارهای ارزشی انسان که مَتَّصِف به خوب و بد بوده، چه از روی اندیشه حاصل شود و یا بدون تفکر سرزند، شامل می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۱ و فتحعلی خانی، ۱۳۷۷: ۱۶). دامنه علم اخلاق در گذشته وسیع‌تر از اکنون بوده و گاه با فقه، عرفان و آداب هم پوشانی داشت. لذا در بسیاری از کتب اخلاقی، مفاهیم آداب و اخلاق خلط می‌شد، مانند آداب

سلام کردن که با توجه به تعاریف اخلاق، از دایره بحث خارج خواهد بود. هرچند دو دانش فقه و اخلاق در حوزه رفتار نقطه اشتراک دارند، ولی تفاوت‌های ماهوی، موضوعی، روشی، غایی و... این دو دانش را از هم جدا کرده است. فقه مفهوم متواطی است که به اصلاح و تنظیم ظواهر عمل از حیث عبادات و معاملات اشاره دارد، اما اخلاق مفهوم مشککی است که به کمال درونی و تعالی روح می‌پردازد. آن مقداری از رفتار در اخلاق مطرح است که بار ارزشی داشته باشد و اخلاق، حقیقت آن رفتار ظاهری را از حیث تأثیر بر باطن بیان می‌کند (عالم زاده نوری، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

در قاعده «تسامح در ادله سنن»، ابتدا سنن فقهی مورد نظر بود و سپس به فضائل اخلاقی و سایر موضوعات نیز تسری یافت^۱. محتوای «احادیث من بلغ» تنها بر سننی تاکید می‌کند که وعده ثواب در مقابل انجام عملی داده شده باشد و به عبارتی گزاره انشائی باشد. این در حالی است که بسیاری از روایات اخلاقی فاقد وعده مذکور بوده و در زمره گزاره‌های اخباری^۲ اخلاقی هستند و تنها در پاره‌ای از روایات اخلاقی صحبت از باید و نباید و اخلاق هنجاری مطرح است. بنابراین گزاره‌های اخباری مشمول قاعده تسامح نیستند؛ مانند روایت مشهور امام صادق علیه السلام درباره حسد که فرمودند: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطْبَ» (شیخ کلینی، ۱۴۲۹: ۳/۷۴۶). شبیه همین روایت

۱. سنن فقهی به دسته‌ای از اعمال اطلاق می‌شود که دارای مصلحت واقعی هستند، ولی نه مصلحتی که در صورت از دست رفتن قابل جبران نباشد و مکروهات اعمال، دارای مفسده قابل جبران هستند. الزام در مورد این اعمال در جانب مستحبات و مکروهات به مرحله صددرصد نمی‌رسد. در حالی که سنن اخلاقی به مجموعه صفات و رفتارهای هنجاری لازم الاستیفای اخلاقی اطلاق می‌شود که بسیاری از آنها صددرصد الزامی بوده (برابر با حکم واجب فقهی) و با فضیلت دیگری قابل جبران نیستند. از این رو فضائل اخلاقی لزوماً مساوی با مستحبات فقهی نبوده و حتی صرفاً مستحبات اخلاقی را در برنمی‌گیرد (اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

۲. گزاره‌های اخباری برای توصیف یک پدیده اخلاقی، بیان آثار و پیامدهای اوصاف اخلاقی و راههای کسب فضائل فضائل یا دفع رذائل صادر شده‌اند.

در نهج البلاغه نیز وارد شده است.^۱

بخش دیگر اخلاق که باید و نباید را مطرح می‌کند و گزاره‌های انشائی هستند، جزء فقه بوده و احکام آن تنها بر اساس ادله حجیت آور تعیین می‌شود. به عنوان نمونه در کتب فقه سخن از حرمت غیبت و دروغ مطرح می‌شود. به طور قطع در امور اخلاقی که تحت عنوان گناه کبیره در قرآن و روایات آمده است، هیچ تسامحی روا نیست و در کتب فقه و بر اساس قواعد فقهی در مورد آنها تصمیم گرفته می‌شود. همچنین ضعف احادیثی که به وسیله عواملی چون اعتضاد روایات صحیح دیگر، تواتر معنایی، کثرت نقل و هماهنگی با قرآن و عقل جبران می‌شود، از شمول قاعده تسامح خارج بوده و ادله مذکور جهت پذیرش آن محتوا کفایت می‌کند.

آن مقداری از اخلاق که تحت عنوان مکارم، اعمال و رفتارهای خوب بیان می‌گردد، سنن هستند و تنها در احادیث اخلاقی با ماهیت انشاء که توصیه بر انجام یا ترک برخی افعال اخلاقی دارد، زمینه اجرای قاعده تسامح فراهم است و می‌توان از ادله و قواعد فقهی استفاده کرد. لذا می‌توان دریافت که ماهیت «اخبار من بلغ» کمترین ارتباط را با مباحث اخلاق دارد؛ یعنی نمی‌توان حسن اخلاق را با «اخبار من بلغ» و قاعده تسامح درست کرد (میرباقری و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۳۱). این مقدار از روایات که به توصیه افعال ارزشی پرداخته و وعده پاداش را بیان می‌کند، حجم بسیار کمی دارد، مانند روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند: کسی که از صورت برادر دینی اش آلودگی را برطرف کند، خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و کسی که در صورت برادرش لبخند

۱. علامه مجلسی این روایت را در جایی مجهول (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۶۳/۱۰) و در جای دیگری (همان: ۲۵۰/۱۶) «ضعیف علی المشهور، و ربما يعد موثقاً» معرفی کرده است. وَ لَا تَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ نَهج البلاغه (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۱۸).

بزند، یک حسنه دارد (شیخ کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۲۰۶). این روایت تنها در دو کتاب *الکافی* با سند موثق و در *مصادقه الاخوان* با سند مرسل به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است. اختصاص پاداش در قبال «رفع آلودگی از چهره مومن» یا «تبسم به چهره مومن» از طریق سندی مجهول (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹/۱۳۶) شرایط را برای اجرای قاعده «تسامح در ادله سنن» فراهم می‌کند.

با تفکیک گزاره‌ای، تئوری «تسامح در ادله سنن» در دو سطح برداشت حداقلی و حداکثری قابل فرض است. در برداشت حداقلی تاکید بر استفاده از گزاره‌های اخلاقی - انشائی است و در برداشت حداکثری بی‌توجه به مفهوم قاعده، همه احادیث ضعیف اعم از انشائی و اخباری را مشمول قاعده می‌سازد.

۲. آسیب‌های کاربرست قاعده تسامح در روایات اخلاقی

با کنار نهادن قوانین و شرایط بررسی حجیت روایات، حجم انبوهی از سخنان اخلاقی در برابر مومنین قرار داده می‌شود که در مرحله اول صحت یا سقم آنها برای مخاطب ناشناخته خواهد بود.

از یک سو حتی با وجود علم به روایت بودن بسیاری از عبارات مندرج در کتب حدیثی اخلاقی، توان بازشناسی تخصصی رجالی در سند روایت، خطاهای راوی و بسیاری از مهارت‌های درایه الحدیثی و ... نیز بر مخاطبین عام پوشیده خواهد ماند و از سوی دیگر درهم آمیختگی متون روایی از حیث عدم تبویب دقیق و دسته‌بندی محتوایی، گاه تضاد محتوایی برخی احادیث و فقدان فقه الاخلاق و نیز پیچیده شدن تکالیف اخلاقی در تراجمات، به تدریج زمینه‌های کم‌توجهی، بدبینی مخاطب و هرج و مرج در رفتار اخلاقی جامعه ایمانی فراهم می‌گردد. در این بخش، پاره‌ای از آسیب‌های کاربرست قاعده تسامح در روایات اخلاقی بررسی می‌شود:

۲/۱. اختلال در نظام اخلاقی اسلامی

همه ابعاد زندگی انسان دارای چارچوب و نظام ویژه‌ای است مانند نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام سیاسی و... . اخلاق نیز به شکل مستقیم با رفتار گروهی افراد جامعه ارتباط دارد. از همین رو برخی اخلاق را نظام و دستگاهی از عقائد جاری جامعه درباره منش و رفتار افراد آن می‌دانند (اتکینسون، ۱۳۷۰: ۱۶).

در جامعه اسلامی و ایمانی نیز تکرار برخی عادات و رفتارها و خلق و خوها به تدریج و در طیّ زمان نظام اخلاقی را تولید می‌کند که ابتدا به جامعه انسانی مومن و معتقد و سپس به خداوند منتسب خواهد شد. حتی احادیث ضعیف یا جعلی که به طور یقینی از ناحیه معصوم نرسیده است، توان باز تولید فرهنگ و نظام اخلاقی و رفتاری ناقصی را دارد که منتسب به مسلمانان است.

یکپارچه و هم مضمون بودن محتوای اخلاقی اسلام بر اساس گفتار خداوند و معصومین در آیات و روایات و همچنین ثابت ماندن همه آموزه‌های اخلاقی در همه اعصار و امصار، از بایسته‌های نظام اخلاقی اسلامی است. با تفکیک گزاره‌ها و قضایای خارجی از قضایای حقیقیه و در نظر گرفتن عام و خاص‌های روایی و رفع تعارضات بدوی، به هر مطلب و سیره دیگری که با این یکپارچگی مخالفت داشته و نظم اخلاقی را بر هم بزند، باید به دیده شکّ نگریست.

فقدان نظام واحد در روایات اخلاقی نابسامانی‌هایی را به دنبال دارد. همان گونه که احادیث فقهی دچار تعارض می‌شوند، احادیث اخلاقی نیز به این مسأله مبتلا می‌گردند. احادیث اخلاقی در مقایسه با احادیث فقهی، مجموعه‌ای نامنظم، غیرعلمی و بدون ساختار دارد. بر اساس روایات موجود و پذیرش تسامحی تعدادی از آنها، گاه در رخدادهای مشابه تشخیص تکلیف، اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری برای مخاطب دشوار می‌گردد. تسامح در پذیرش این روایات و نبود بررسی محققانه درباره متون روایی

مرتبط، چه بسا رفتارهای دوگانه اخلاقی را به همراه داشته باشد. با مطالعه برخی متون روایی تضاد محتوایی آنها با روح قرآنی و سنت صحیحه مشهود است. این امر از سوی ناآگاهان، گاه منجر به ترویج لابی‌گری، وهن قرآن و سنت صحیحه و بی‌توجهی به مضامین عالی می‌گردد.

ضرورت دارد که برای هر چهار دسته اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی قواعد یکسان و عمومی تعریف کرد تا مانع ایجاد و نفوذ سلیقه در امور اخلاقی گردد و نظام یکپارچه اخلاقی را مدون ساخت، در غیر اینصورت بخشی از فرهنگ اسلامی جامعه از بین می‌رود و یا با تغییر سلیقه و شرایط، مورد نقد جدی قرار خواهد گرفت.

از جمله‌ی مکارم اخلاقی که مورد اهتمام نظام ارزشی اخلاق اسلامی و حتی سایر نظام‌های اخلاقی است، اطعام نیازمندان و افراد گرسنه با هر گرایش و نژادی است. روایات فراوانی در جوامع روایی در این خصوص وارد شده است. با این حال در منابع روایی سه روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده که به افرادی خاص مانند کفار نباید غذا داد. تضاد محتوایی این قبیل از روایات با احساس نوع بشر در یاری رساندن به سائل و نیازمند، تکلیف مسلمان را دچار تعارض می‌کند. فهم دقیق روایات اطعام با تشکیل خانواده حدیثی و بررسی روایات مذکور امکان پذیر است. در اولین روایت امام صادق علیه السلام، سیر کردن کافر را جایز نمی‌شمارد: «کسی که مومنی را سیر کند بهشت بر او واجب است و هر کس کافری را سیر کند بر خداوند است که شکم او را از زقوم پر کند

خواه اطعام دهنده مومن باشد، خواه کافر^۱» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۱۱/۳).

سند روایت به دلیل تعبیر «عن بعض اصحابنا» و نامشخص بودن این طبقه از راویان، دچار افتادگی و ارسال است و در زمره احادیث ضعیف محسوب می‌شود. از نظر علامه مجلسی این روایت مجهول مرسل است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۹).

در بررسی متنی بخش دوم روایت، تعارضاتی با آیات قرآن و سیره معصومین مشهود است. تاکید دستورات عام قرآنی بر نجات جان نوع انسان‌ها و عدم ظلم به غیر معاند^۲، با این روایت همخوانی ندارد؛ چرا که همه کافران معاند و متخاصم نیستند و رعایت ارزش‌های انسانی در برخورد با غیر مسلمان متسالم، تغییر نمی‌کند. علاوه بر آن نصّ روایت با سیره عملی خود معصومین مانند اطعام سه‌گانه اهل بیت به مسکین، یتیم و اسیر (غیر مسلمان) و نیز تذکار امام علی علیه السلام به مالک در مورد همسانی او با انسان‌ها در دین یا در نوع خلقت و لزوم تَلَطُّف به آنها، ضدیت دارد. همچنین عقل حکم می‌کند در شرایطی که فردی حتی با وجود اختلاف عقیده، چنانچه گرفتار و محتاج است، از کمک کردن به او دریغ نشود.

به جهت آنکه ضمایر و اسامی به کار رفته در این روایت مطلق بوده، نمی‌توان با توجیه و تأویلات تکلف آمیزی مانند توجه به نوع کافر از حیث دشمن یا دوست بودن، مقدار و حجم غذای کافر، تعداد دفعات غذا دادن، حمل روایت بر تقیه یا کراهت و... آن را مقید کرد. به همین دلیل در منابع فقهی در خصوص طعام دادن به کافر اتفاق نظر

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي یَحْیَى الْوَاسِطِيِّ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: مَنْ أَشْبَعَ مُؤْمِنًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَشْبَعَ كَافِرًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَمْلَأَ جَوْفَهُ مِنَ الرَّقُومِ مُؤْمِنًا كَانَ أَوْ كَافِرًا.

۲. «وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲) و آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸)

وجود ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۲/۹). با توجه به شیوه مواجهه سیاسی و اجتماعی با کفار در ممالک اسلامی و نیز تفاوت قوانین فقهی با اخلاقی نمی‌توان این روایت را به عنوان یک اصل کلی مورد عمل قرار داد. «لسان فقه، لسان قانون عام و لسان اخلاق، لسان سعادت خاص است. حکم اخلاقی به فراخور نوع شخصیت و ظرفیت‌های فردی صادر می‌شود؛ اما حکم فقهی برای همه در همه اعصار و امصار یکسان است» (عالم زاده نوری، ۱۳۹۷: ۵۴). در دو روایت دیگر، عدم اطعام و سیر کردن ناصبی موضوع سخن است^۱ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۹) و بی‌شک حکم برخورد با ناصبی متفاوت از کافر است و طبق روایت ناصبی در معنای فردی است که دشمنی با اهل بیت را علنی کرده و اقدام به قتل اهل ولایت می‌کند. عدم اطعام چنین فردی با این درجه از دشمنی با اهل بیت مبرهن است.

در یک روایت پس از آنکه راوی در مورد کمک به سائل مجهول الحال می‌پرسد، امام تاکید می‌کند که به غیر شیعه کمک نکنید مگر اینکه دلتان به حال بسوزد و در این حال نیز بخشی از نان را به او دهید. اما به ناصبی یاری نرسانید و در ادامه روایت، گزاره‌های روایت با متن مورد ادعا شباهت دارد^۲. راوی حکایت با تعبیر (فَإِنَّ أَبِي نِعَمَ الْمُحَمَّدِيِّ) مشخص نیست که معصوم است یا زید نرسی و اینکه ادراج در متن از سوی او بوده باشد. به همین دلیل در برخی منابع متأخر، روایت را تقطیع کرده و از ذکر قسمت پایانی

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ حُنَيْنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِأَنَّكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا يَقُولُ أَنَا أُبْغِضُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَكَيْنَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَتَوَلَّوْنَا وَتَتَّبِعُونَا مِنْ أَغْدَابِنَا وَقَالَ عَمَّنْ أَشْبَحَ عَدُوًّا لَنَا فَقَدْ قَتَلَ وَلِيًّا لَنَا.

۲. «فَأَمَّا النَّاصِبُ فَلَا يَرْفِقَنَّ قَلْبَكَ عَلَيْهِ، وَلَا تُطْعِمُهُ وَلَا تُشْقِهْ وَإِنْ مَاتَ جُوعًا وَعَطَشًا، وَلَا تُعِثُّهُ، وَإِنْ كَانَ غَرِيفًا أَوْ حَرِيفًا فَاسْتَعَانَ فُطْطُهُ وَلَا تُعِثُّهُ فَإِنَّ أَبِي نِعَمَ الْمُحَمَّدِيِّ كَانَ يَقُولُ: مَنْ أَشْبَحَ نَاصِبِيًّا مَلَأَ اللَّهُ جَوْفَهُ نَارًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُعَذِّبًا كَانَ أَوْ مَغْفُورًا لَهُ (عده المحدثين، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

روایت خودداری کرده‌اند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۷/۱۶). عدم کمک به ناصبی در معنای پیش گفته و با شرایط پیشین، قابل پذیرش است.

با وجود دسترسی صاحبان کتب اربعه به اصول حدیثی، این روایت در هیچ‌کدام از آنها بازتاب نداشته و تا دوره علامه مجلسی در هیچ کتاب حدیثی دیگری گزارش نشده است.

الغاء شرایط حجیت خبر و عدم سخت‌گیری در سند و متن روایت سبب می‌گردد که پاره‌ای از متون ناسازوار در مجموعه حدیثی باقی بماند و علاوه بر سوء برداشتهای اخلاقی، تعیین چارچوب دقیق نظام اخلاقی اسلام را با مشکل مواجه سازد و در شرایط خاص، تعیین تکلیف اخلاقی دچار اشکال گردد. علیرغم نفوذ رفتاری و عملی احادیث اخلاقی در زندگی عوام و ترتیب اثر دادن به این دسته از روایات، صاحب‌نظران کمتر به بررسی احادیث ضعیف اخلاقی پرداخته‌اند. به دلیل تعداد بیشتر روایات این حوزه و آسان‌گیری درباره آنها، ورود روایات ضعیف در این قسمت بیشتر شد تا آنجا که گاه این احادیث ضعیف حوزه سنن، بخشی از فرهنگ دینی را ساخته و شکل داده است. بایسته است که با احادیث موثق‌تر و با استدلال‌های مستحکم دینی مانع رواج برخی خرافه‌ها و احادیث ضعیف در امور دین شد تا اینکه گذر زمان آنها را تبدیل به نظام، باور و فرهنگ اسلامی نسازد.

۲/۲. وقوع جعل در روایات اخلاقی

بر خلاف احادیث اعتقادی و فقهی امکان وقوع جعل در احادیث اخلاقی بیشتر بوده است. شاید دلیل عمده آن، دقتی بوده که راویان در نقل احادیث فقهی و اعتقادی داشته‌اند، چرا که ثواب و عقاب و پذیرش یا عدم پذیرش باور و رفتار شرعی یک مسلمان بر پایه همین روایات بوده، لذا از ابتدا درباره آنها دقت نظر بیشتری انجام شده است، اما احادیث اخلاقی از این ویژگی کمتر برخوردار بوده و چون در پاره‌ای از

روایات مستقیماً با بهشتی یا دوزخی شدن افراد سروکار نداشته، راویان نیز در آن تحقیق و تأمل لازم را نداشته و دست جعل و تحریف در احادیث اخلاقی بیشتر نمایان شد. جاعلین در طول تاریخ حدیث با انگیزه‌های متفاوتی دست به این اقدام زده‌اند و حتی برخی با نیت دلسوزی و شفقت بر کیفیت دینداری افراد جامعه، احادیثی می‌ساختند.

حتی ممکن است دامنه این مسأله تا آنجا کشیده شود که افراد در گفتگوهای عادی در تأیید سخنان ولو عقل‌پسند خود مطالبی را جعل کنند و به معصوم نسبت دهند. به تعبیر ابن جوزی مضمون کار جاعلین این است که دین و شریعت ناقص بود و این افراد تشریح را کامل نمودند (ابن‌الجوزی، ۱۹۶۶: ۱/ ۳۹).

بعضی از افراد ساده‌اندیش از ترس مهجور ماندن دین خدا، ضعیف‌ترین احادیثی را که در لابلای کتب مختلف پیدا می‌کنند، برجسته کرده و در اختیار مردم قرار می‌دهند، اینان به زعم اینکه روایات ضعیف نیز در حد خود، صاحب‌اثر پسندیده در فرد و جامعه خواهند بود، همه روایات را بدون هیچ بررسی و تحقیقی می‌پذیرند. میرداماد تأکید دارد که افراط در نقل همه آنچه در قالب حدیث به دست متأخرین می‌رسد و سر سپردگی به آنها به مانند رویه حشویه، جایز نیست چرا که مجعولات نیز در میان آنها راه یافته است (میرداماد، ۱۴۰۶: ۲۷۷).

در بُعد اخلاق‌بندگی و کیفیت ارتباط با خالق، ادعیه و اذکار، اهمیت و کارکرد ویژه‌ای دارد. ادعیه در کسب فضائل اخلاقی و علو معرفتی و رفتاری مانند سرعت دهنده، عمل می‌کنند. توصیه‌های موکّدی در خصوص برخی متون ادعیه در روایات وارد شده است، اما پالایش جدی در خصوص تفکیک سرّه از ناسرّه وجود ندارد. شیخ عباس قمی در نقّادی روایات ادعیه کوشش بسیار داشته و به این نکته تصریح کرده است که با وجود کتب پر ارزش و دعا‌های معتبر، برخی به جعل دعا می‌پردازند، لذا ورود

کذب و جعل و افزودن به ساحت ادعیه ماثوره را بر نمی‌تابد. ایشان دعاهایی که در زمان خودش رایج بوده با ادعیه موجود در برخی کتب مانند مصباح المتبهجد، جمال الاسبوع، مفتاح الفلاح و... مقایسه کرده و حکم به زحرف و باطل بودن برخی ادعیه و حتی برخی جملات ادعیه می‌کند (قمی، ۱۳۸۵: ۶۳۴). نگارش و چاپ برخی کتابچه‌های دعایی حاکی از تفکر تسامح‌گرایانه در باب ادعیه و زیارات است و خواندن دعاهایی که از لحاظ محتوایی مشکلی نداشته اما اعتبار سندشان معلوم نشده، با امید ثواب، - نه به قصد ورود و صدور از پیامبر اکرم ﷺ و یا امامان معصوم علیهم‌السلام - اشکال ندارد.

بر اساس قاعده تسامح در برخی از روایات اخلاقی، محدثین جواز نقل از راویان جاعل را نیز به بهانه عدم نیاز به سختگیری در آداب و سنن صادر کردند. از جمله کاربردهای خاص قاعده تسامح در باب روایات دارای ثواب اعمال است که گفته می‌شود، عمدتاً جعلی هستند و وعده‌های گزاف و مبالغه آمیزی برای برخی کارهای خرد قرار داده شده است. این ساده‌نگران با امید ترغیب مردم به اعمال مستحبی و پرارزش سخنانی را بدون توجه به پیامدهای آن به معصوم ﷺ منسوب کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

به طور نمونه در سه منبع اخلاقی الاختصاص اثر شیخ مفید، مصادقه الاخوان و ثواب الاعمال هر دو تالیف شیخ صدوق این روایت آمده است: «هر کس نیم آشامیده برادر مؤمنی را بخورد و بدان تبرک جوید، خداوند بین آن دو تن يك فرشته بیافریند که تا روز قیامت برای آنها طلب آمرزش کند» (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۵۱). وجه اخلاقی این روایت به دلالت التزامی، بازتاب اجتماعی داشته و بیانگر عدم کراهت از برادر دینی و

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ السَّيَّارِ [السِّيَّارِي] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ يَرْفَعُهُ قَالَ مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أُخِيهِ الْمُؤْمِنِ تَبْرُكًا بِهِ خَلَقَ اللَّهُ مِنْهُ مَلَكًا يَسْتَعْفِرَانِ لَهُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

تواضع در برابر او است. سند این روایت به دلیل حضور سیاری (متسبب به جعل و دروغ) و مرفوع و افتادگی، ضعیف بوده و دارای خدشه است. به لحاظ متنی نیز دارای اضطراب بوده و گاهی در نقل این روایت مانند گزارش شیخ مفید، واژه مومن حذف شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۹). در بررسی متنی نیز می‌توان گفت، اهمیت دادن به برادر دینی، ارزش والایی دارد، اما آیا تحت هر شرایطی و با اعمال گوناگونی باید این ارزش‌بخشی محقق شود؟ آیا آشامیدن نیم خورده اینقدر می‌تواند ثواب داشته باشد؟ علم نیز در حالت کلی مضمون آن را تایید نمی‌کند و به جهت رعایت نکات بهداشتی و سلامتی مانع از انجام چنین عملی حداقل در مواقع خاصی مانند وجود برخی بیماری‌ها می‌شود. طبع انسان نیز اقتضاء نمی‌کند جزء در مواردی استثنائی، نیم خورده دیگری را استفاده کند. تنها توجه پذیرش چنین متنی، توجه به معانی تأویلی و باطنی یا توجه به مخاطب خاص روایت است و البته گزارشی هم در این خصوص وارد نشده است. در نتیجه با توجه به دقت شیخ صدوق در صحت یا سقم روایات، به نظر می‌رسد از آنجا که از نگاه ایشان روایات غیر فقهی نیازی به پیگیری جدی ندارد، در کتب شیخ صدوق جای گرفته است.

۲/۳. ایجاد خوش بینی یا بدبینی کاذب نسبت به متون حدیثی

افراط و زیاده‌روی در پذیرش اخبار و اعتماد به روایات بدون کوچک‌ترین دقت و نظر و تأمل در متون آنها و بدون سنجیدن الفاظ و جملات حدیث با ملاکهای نقد و درایت، دامی است که بسیاری از محدثان متساهل به ویژه محدثان اهل سنت گرفتار آن شده‌اند و حدیث‌هایی را که مضمون آنها دلالت بر مفاهیمی برخلاف نصوص و ظواهر قرآن یا عقل می‌کند، نقل نموده و صحیح انگاشته‌اند (معماریان، ۱۳۹۳: ۳۱). وجود روایات شبهه‌زا، پرسش‌آفرین، متشابه و حتی متضاد و متعارض و عدم بررسی سندی، محتوایی، تحلیلی و تطبیقی آنها سبب تشکیک در مضامین دینی شد. نتیجه تجویز نقل

هر نوع حدیثی در جوامع روایی آن شد که روایات صحیح در میان روایات ضعیف و جعلی سرگردان و بلا تکلیف بماند و دشمنان کینه‌توز اسلام برای منحرف ساختن ذهنها و دادن نسبت‌های ناروا میدان یافتند؛ کاری که از هر سلاحی برنده‌تر بود (معروف الحسینی، ۱۹۷۳: ۸۹). ناچیز شمردن نقل روایت‌های سست، زمینه بی‌اعتبار شدن فرهنگ اسلامی را فراهم می‌کند. اینگونه تسامح در نقل احادیث از نظر کم ارزش ساختن احادیث حجج الهیه اصلاً جایز نیست و چه بسا افرادی که تخصص کافی در معارف ندارند و حتی دشمنان مغرض، با خواندن یا شنیدن داستان قلندری از یک شخص منبری، نه تنها برای سایر سخنان و احادیث منقول وی ارزش نمی‌گذارد، بلکه به کلیه منقولات روایی و مجامع حدیث نیز بی‌اعتناء شده و گاه آن متون را به سخریه می‌گیرد (شانه چی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

در سوی دیگر و از رهگذر مقابله با قاعده تسامح، تندروی‌هایی نیز در رد احادیث پدید آمد که ضرر آن هم متوجه تعالیم و آموزه‌های راستین اسلامی بوده و از دیرباز سبب اختلاف سلاطینی در پذیرش برخی روایات گشت. متون صحیح نیز تحت تأثیر متون ضعیف روایی گاه بی‌اعتبار نامیده شدند. رد یکسره سنت و نظریه پردازی قرآن بسندگی در اهل سنت و برخی شیعیان در سده‌های اخیر نتیجه اعتمادپذیری گسترده نسبت به همه متون حدیثی بوده است (مهدوی راد، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۳۴).

برخورد روشمند آن است که با شیوه‌های دقیق و علمی سره را از ناسره تشخیص داد و با تقلید و اعتمادهای بی‌قاعده همه آنچه را که به نام سنت و روایت در کتب جای گرفته است، نپذیرفت؛ همانگونه که جریان تجدیدنظر طلبی در حدیث ایجاد شد و گروه معتدل با شیوه روشمند به بازننگری در منابع حدیثی و به کارگیری معیارها و سازوکارهایی افزون بر ملاکهای رایج، برای شناخت روایات صحیح پرداختند. بر اساس تاریخ حدیث فقهی شیعه، یکی از انگیزه‌هایی که سبب شد شیخ طوسی کتاب تهنید

الاحکام را بنویسد و شرح عالمانه‌ای از احادیث ارائه دهد، طعنه مخالفان به مضامین روایی و رویگردانی عده‌ای از تعالیم حقه به جهت تضاد و اختلاف میان احادیث بود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۳ و ۲).

یکسونگری در جمع‌آوری متون اخلاقی و عدم تأمل در نصوص، اخلاق اسلامی را نامنظم می‌کند. اگر پردازش و پالایشی در روایات اخلاقی صورت گیرد، استفاده از آنها بسیار دقیق‌تر و با اطمینان بیشتری خواهد بود. برخی از احادیث ضعیفی که با مجوز «تسامح در ادله سنن» وارد مجموعه روایات اسلامی شده‌اند، چنانچه در بوته نقد قرار می‌گرفتند، به راحتی کنار گذارده شده و زمینه تلاش اجتهادی جهت تولید الگوی روشمند اخلاقی برای افراد جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد.

به طور نمونه در یک روایت آمده است کسی که روز خود را آغاز کند و در اندیشه ظلم به دیگران نباشد، خداوند همه گناهان او را می‌بخشد^۱ (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۲۶).

این روایت در بررسی سندی علامه مجلسی ضعیف علی المشهور است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۳۰۰). متن روایت ظلم را به صورت کلی بیان کرده، اما در روایت مشابه دیگری به نقل از امام صادق علیه السلام ظلم به ریختن خون ناحق یا خوردن مال یتیم محدود شده است: کسی که روز خود را آغاز کند و نیت ظلم به احدی را نداشته باشد، خداوند گناهان آن روز فرد را می‌بخشد تا زمانی که خون دیگری را نریزد یا به ناحق مال یتیمی را نخورد^۲ (کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۲۶). علامه مجلسی این روایت را موثق معرفی کرده است (مجلسی، همان).

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أُصْبِحَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمٍ أَحَدٍ غَفَرَ اللَّهُ مَا اجْتَرَمَ.

۲. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ أُصْبِحَ لَا يَتَوَى ظُلْمَ أَحَدٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا أَدْنَبَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ يَسْفِكْ دَمًا أَوْ يَأْكُلْ مَالَ يَتِيمٍ حَرَامًا.

برداشتی که از متن روایت اول در ذهن مخاطب تداعی می‌شود، این که کافی است انگیزه ظلم به دیگران را نداشته باشد و هر کار دیگری از جمله ظلم به خویشتن یا ظلم در حق الله برای او موجه جلوه می‌کند. یا براساس روایت دوم نیز جرم و گناه را تنها در دو مصداق معرفی شده، خلاصه می‌کند و ارتکاب سایر خطاها و حقوق الناس بلا اشکال خواهد بود؛ چرا که خداوند وعده غفران آنها را داده است. عدم معرفت صحیح نسبت به شرایط غفران الهی و رجاء بدون ضابطه به بخشش خداوند همواره مورد هشدار معصومین بوده است و طبق آموزه‌های دینی رعایت حق النفس، حق الله و حق الناس به شدت مورد تاکید قرار گرفته است و امثال این روایت با آن آموزه‌ها منافات دارد.

نتیجه رفتار دوگانه با بسیاری از احادیث، بی‌اعتبار نشان دادن مجموعه‌های روایی است. با اتخاذ منطق تفکیک احادیث به صورت جامع و مانع ثمری دست خواهد داد که از یک سو تمامی روایات کتب اربعه و صحیحین تلقی به صحت نگردد، تا چه رسد که قطعی الصدور باشد و از سوی دیگر مانع هم‌ردیفی احادیث ضعیف و ناکارآمد در کنار احادیث صحیح و کارآمد، چرا که در غیر اینصورت همه آسیب را متوجه احادیث صحیح خواهد کرد و سخنان سست، مطالب محکم را نیز سست می‌کند.

۳. نتایج

۱. بر اساس تعریف جامع اخلاق، مرز این علم جدای از آموزه‌های فقهی و حتی آداب است. قاعده «تسامح در ادله سنن» بنا بر واژه سنن تنها ناظر به احادیث حوزه فقهی و آن هم احادیث استحبابی بوده است. رعایت احکام فقهی مستحبی و وظیفه‌ای ترجیحی و انتخابی برای عموم مسلمانان است و در مقابل، کاریست دستورات اخلاقی جهت رشد معنوی انسان ضروری است. تسری قاعده به آداب و اخلاق مورد نظر موسسین قاعده هم نبوده و ورود قاعده به مسائل اخلاقی در مراحل بعد اتفاق افتاده که به تبع آن

خلل و نواقصی را در اخلاق‌مداری سطحی جامعه وارد ساخته است.

۲. آسیب‌شناسی و توجه به کیفیت متون حدیثی با توجه به گستره حدیث و نفوذ و تاثیر آن بر فرهنگ و باورهای دینی، رفتارهای درونی و برونی فرد و کنش‌ها و واکنش‌های افراد در جامعه، بسیار ضروری است. اخلاق، آداب و سنن از یک سو با تار و پود زندگی متشرعین آمیخته است و به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری فرهنگ مردم نقش ایفا می‌کند، و از دیگر سو راهی است برای دستیابی به مقاصد شریعت. با توجه به اینکه اخلاق طیف مدرّجی از مصادیق را داراست، هر انسانی بنا به میزان معرفت و یقین خود نسبت به آموزه‌های دینی و نیز اهتمام به رعایت مکارم اخلاقی، تادّب و تقرّب متفاوتی دارد. به دلیل آثار وضعی روایات اخلاقی، بایسته است که مطالب صحیح و حجیت‌آور در اختیار جامعه قرار داده شود؛ بنابراین سهل‌گیری و آسان‌نگاری در این زمینه معنا ندارد.

۳. در مباحث ارزیابی حدیثی، یکی از نشانه‌های جعلی بودن روایت، اختصاص پاداش بزرگ به عمل کوچکی است و قاعده تسامح تمام روایات ضعیفی را که اینگونه وعده‌ها را دربردارد، تأیید خواهد کرد. ایجاد اختلال در نظام اخلاق اسلامی، جرأت بر انجام گناه، خوش بینی یا بدبینی کاذب نسبت به مجموعه احادیث اخلاقی و مهیا شدن زمینه جعل روایت از پیامدهای سوء قاعده تسامح بر روایات اخلاقی است. به همین دلایل، بازنگری در احادیث اخلاقی و ترسیم الگوی اخلاق اسلامی مبتنی بر روایات معتبر، در پالایش نظام یکپارچه اخلاقی و رهایی از تأویلات تکلف‌آور بسیار اهمیت دارد. ساماندهی احادیث اخلاقی و تفکیک آن از سایر، در گام اول و پرداختن به فقه الاخلاق و تنظیم ابواب مختلف آن بر پایه روایات معتبر گام دوم این اقدام خواهد بود.

منابع

۱. ابن ابی الدنيا، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۲) العمر و الشیب، مكتبة الرشد، الرياض.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا) الجعفریات، مكتبة النینوی الحديثة، تهران.
۳. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۹۶۶) الموضوعات، المكتبة السلفية، مدینه المنوره.
۴. ابن شعبه حرانی، (۱۴۰۴) تحف العقول، جامعه مدرسين، قم.
۵. ابن مسكويه، احمد بن محمد، (۱۴۲۶) تهذيب الأخلاق و تطهير الأعراق، تحقيق عماد هلالی، طليعه النور، بی جا.
۶. اتكينسون، آر. اف، (۱۳۷۰) درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، مركز ترجمه و نشر كتاب، تهران.
۷. ادیبی لاریجانی، محمدباقر، (۱۳۸۷) مرزدار مكتب اهل بيت، دانشكده اصول دين، قم.
۸. اسلامی، محمدتقی، (۱۳۹۰) اخلاق اسلامی و کاربست قاعده «تسامح در ادله سنن»، بوستان كتاب، قم.
۹. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۲۲) مصباح الاصول، مكتبة الداوری، قم.
۱۰. شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴) نهج البلاغه، تحقيق صبحی صالح، هجرت، قم.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۸) الرعايه فی علم الدرايه، مكتبة آیه الله مرعشی، قم.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۶) ثواب الاعمال، شریف الرضی، قم.
۱۳. _____، (۱۳۶۲) صفات الشيعه، اعلمی، تهران.
۱۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷) تهذيب الاحكام، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
۱۵. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹) الكافي، دارالحديث، قم.
۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳) الاختصاص، كنگره جهانی شیخ مفید، قم.
۱۷. عالم زاده نوری، محمد، (۱۳۹۶) «ماهیت تشکیکی گزاره‌ها و مفاهیم اخلاقی»، ذهن، پیاپی ۶۹، صص ۱۵۸-۱۲۵.
۱۸. _____، (۱۳۹۷) استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۹. عاملی، حسین بن عبدالصمد، (۱۴۰۱) وصول الأخیار إلى أصول الأخبار، مجمع الذخائر الإسلامية، قم.

۲۰. عدة المحدثين، (۱۳۸۱) الاصول الستة عشر، دارالحديث، قم.
۲۱. فتحعلي خانی، محمد، (۱۳۹۳) آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۲۲. فیض کاشانی، محسن، (بی تا) المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۳. قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۵) مفاتیح الجنان، مکتبه العزیزی، قم.
۲۴. محدث نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳) بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۶. _____، (۱۴۰۴) مرآة العقول، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۲۷. مدیر شانه چی، محمدکاظم، (۱۳۸۷) علم الحديث و درایه الحديث، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۸. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۹) وضع و نقد حدیث، سمت، تهران.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱) فلسفه اخلاق، تحقیق احمد حسین شریفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۳۰. معروف الحسنی، سید هاشم، (۱۹۷۳) الموضوعات فی الآثار والأخبار، دار الکتب اللبنانی، بیروت.
۳۱. معماریان، داود، (۱۳۹۳) مبانی و روشهای نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، بوستان کتاب، قم.
۳۲. مهدوی راد، محمدعلی، (۱۳۹۴) حدیث و حدیث پژوهی، نشر کتاب مرجع، تهران.
۳۳. میرباقری، محمد مهدی و دیگران، (۱۳۸۳) «چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی»، کتاب نقد، شماره ۳۳.
۳۴. میرداماد، محمدباقر بن محمد، (۱۳۱۱) الرواشح السماویه، دار الخلافه، قم.
۳۵. نراقی، مهدی، (بی تا) جامع السعادات، تحقیق محمد کلانتر، دار النعمان للطباعة والنشر، بیروت.
۳۶. نووی، محیی الدین بن شرف، (۱۴۱۴) الاذکار النوویه، دار الفکر، بیروت.
۳۷. همدانی، مصطفی، (۱۳۹۶) «نقد تسری انگاره فقهی "تسامح در ادله سنن" به ارزیابی سند روایات اخلاقی»، اخلاق، شماره ۳۵.